

برگشت از خودخواهی و خودپرستی به خداخواهی و خداپرستی

توبه اولین قدم به سوی خدا است. هر چند بعد از آفرینش، رابطه انسان با خدا در اثر گناه نافرمانی از او، قطع شد، اما خدا "جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد" (انجیل یوحنا ۳: ۱۶). بدین سان مشاهده می‌کنیم که خدا از همان ابتدا در فکر نجات انسان از هلاکت^۳ ابدی بود. پیشگویی کوبیدن سر شیطان به وسیله مسیح^۴ (کتاب پیدایش ۳: ۱۵)، و دعوت مکرر انسان به توبه، محبت شگفت‌انگیز خدا نسبت به انسان را ثابت می‌کند. اینک به چند مورد از این دعوت‌ها اشاره می‌کنیم.

صدای خدا را در عهد عتیق می‌شنویم که می‌فرماید: "خویشتن را شسته، طاهر نمایید و بدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید. . . اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد، مانند برف سفید خواهد شد. . . اگر خواهش داشته، اطاعت نمایید، نیکویی زمین را خواهید خورد." (کتاب اشعیای نبی ۱: ۱۶-۱۹).

صدای مسیح را بارها در انجیل می‌شنویم که فرمود: "توبه کنید و به انجیل (یعنی مژده) ایمان بیاورید." (انجیل مرقس ۱: ۱۵). همچنین فرمود: "توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است." (انجیل متی ۴: ۱۷). و در جای دیگر فرمود: "اگر توبه نکنید، همگی شما همچنین هلاک خواهید شد." (انجیل لوقا ۱۳: ۳). الهام روح القدس را در انجیل در مورد رهایی از بار سنگین گناه می‌شنویم که می‌فرماید: "پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد." (کتاب اعمال رسولان ۳: ۱۹). الهام روح القدس در مورد توبه از گناه پرستش خویشتن یا هر چیز دیگری غیر از خدا را می‌شنویم که می‌فرماید: "خدا از زمان‌های جهالت چشم پوشیده، الآن تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند." (کتاب اعمال رسولان ۱۷: ۳۰).

^۳ مفهوم هلاکت، زیستن در عذاب جاودانی است (مکاشفه ۲۱: ۸).

^۴ در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ می‌خوانیم: "خداوند به مار فرمود . . . او (نسل زن) سر تو را خواهد کوبید." این آیه یک پیشگویی است از کولسیان ۱: ۱۹-۲۰ که چنین می‌فرماید: "خدا رضا بدین داد که . . . به وساطت او همه چیز را با خود مصالحه دهد، چونکه به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد. بلی، به وسیله او خواه آنچه بر زمین و خواه آنچه در آسمان است."

آیا از اینکه بارها احکام خداوند را شکسته‌ایم، از گناه خود پشیمان شده، توبه کرده، و به‌سوی خدا بازگشته‌ایم؟ موضوع حیاتی بازگشت به‌سوی خدا، از ابتدا تا انتهای کلام خدا بارها به چشم می‌خورد. مسیح در داستان پسر گمشده، پشیمانی از گناه و برگشتن به‌سوی خدا را این چنین به ما نشان می‌دهد: پسر گمشده "آخر به خود آمده، گفت: . . . نزد پدر خود می‌روم و بدو خواهم گفت، ای پدر به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام. . . در ساعت برخاسته، به‌سوی پدر خود متوجه شد." (انجیل لوقا ۱۵: ۱۷-۲۰).

می‌دانیم که توبه کردن از گناه خود، کاری است بس دشوار و به اصطلاح مشهور "توبه گرگ مرگ است". اما خداوند از محبت و فیض بی‌کران خود، احساس توبه و پشیمانی از ارتکاب آن را در اثر نجوای روح القدس و گاهی حتی با فرستادن غم در زندگی، در ما به‌وجود می‌آورد که منجر به توبه از گناه می‌شود. در کلام خدا در این باره می‌خوانیم: "غمی که برای خداست، منشأ توبه می‌باشد به‌جهت نجات که از آن پشیمانی نیست، اما غم دنیوی منشأ موت است." (رساله دوم به قرنثیان ۷: ۱۰).

متأسفانه انسان همیشه خواسته و می‌خواهد راههایی را که منشأ آنها غم دنیوی است برای توبه از گناه به‌کار گیرد، اما چنانکه دیده می‌شود، نتیجه چنین توبه‌ای همان "توبه گرگ" است و بس! در کتاب مقدس می‌بینیم که پولس رسول، پطرس رسول، و سایر رسولان معترف‌اند که توبه عطای خداوند است. برای نمونه به این دو آیه توجه کنید: "(باید) با حلم مخالفین را تأدیب نماید که شاید خدا ایشان را توبه بخشد تا راستی را بشناسند." (رساله دوم به تیموتائوس ۲: ۲۵)؛ "پطرس و رسولان در جواب گفتند: او را (یعنی مسیح را) خدا بر دست راست خود بالا برده، سرور و نجات‌دهنده ساخت تا اسرائیل را توبه و آمرزش گناهان بدهد." (کتاب اعمال رسولان ۵: ۲۹-۳۱).

چنانکه قبلاً نیز گفتیم، قدم اول در برقراری رابطه با خدا، توبه از گناهانمان می‌باشد. بنابراین اکنون که پی‌بردیم توبه عطای خداوند است، چه بهتر که با فروتنی تمام در قلب خود، از خدا بخواهیم تا پشیمانی از ارتکاب گناه و توبه از آن را شامل حال ما نیز بگرداند.

برای موفقیت در این امر، مناسب است که به کتاب مقدس مراجعه کنیم و در آن، راه این موفقیت را از زبان خود مسیح بشنویم: مسیح در مثلی ساده، طرز عبادت دو نفر را بیان فرمود که یکی فریسی و دیگری خراجگیر بود، که خلاصه آن از این قرار است: فریسی که بر خود و فعالیت‌های مذهبی خود متکی بود،

خدا را برای آنچه که انجام می‌داد شکر می‌کرد. باجگیر که تنها بر خدا توکل داشت، در فروتنی تمام بر سینه خود می‌زد و می‌گفت: "خدایا، بر من گناهکار ترحم فرما." مسیح در پایان حکایت فرمود: "به شما می‌گویم که این شخص (یعنی خراجگیر) عادل کرده شده، به خانه خود رفت، به‌خلاف آن دیگر." (انجیل لوقا ۱۸: ۹-۱۴).

ما نیز چه بسا در وعظها، گفتگوها و حتی دعاهایمان، بارها عبارت "شکر خدا" را تکرار می‌کنیم، اما عبارت "خدایا، بر من گناهکار ترحم فرما" را کمتر بر زبان می‌آوریم! کاش با خواندن این ماجرا در انجیل، روح‌القدس چشمان دل ما را بگشاید تا به گناهکار بودن خود در حضور خدا اعتراف نماییم و او را نه تنها برای عطای توبه و آمرزش گناه خود شکر گوئیم، بلکه برای رحم، فیض، محبت، فداکاری، بخشایش و سایر صفات خداوندی‌اش، با قدردانی و فروتنی هر چه تمام‌تر، حمد و ثنا بخوانیم و دیگران را در شادی و آرامش خود سهیم بگردانیم!